

فقیه مدینه

غلامحسن محزومی

مردم در مسائل شرعی به فقهای تابعان رجوع می‌کردند که سعید بن مسیب از مهمترین فقیهان این عصر بود و به گفته ابن خلکان، سیدالتابعین به شمار می‌آمد. (۲)

۲- فقیه مدینه

در اواخر قرن اول هجری دو مکتب و مدرسه فقهی در میان مسلمانان پدید آمد: مکتب عراق و مکتب مدینه.

مکتب عراق را مکتب رأی و مکتب مدینه را مکتب حدیث می‌گفتند. فقهای عراق بیشتر بر رأی و استدلال عقلی تکیه می‌کردند ولی فقهای مدینه بر احادیث و روایات فقهی تکیه داشتند. از میان فقهای چهارگانه اهل سنت، ابوحنیفه نماینده مکتب عراق و مالک بن انس نماینده مکتب مدینه بود. (۸)

سعید بن مسیب در عصر خود یکی از مهمترین فقیهان مدینه به شمار می‌آمد و به گفته ابن سعد، رئیس فقیهان مدینه بوده (۹)

● سعید بن مسیب، در سال

۱۵ یا ۱۷ هجری در عهد

خلافت عمر، در شهر مدینه

متولد شده و در همان شهر

به تحصیل علم و دانش

پرداخته و از محضر

اصحاب پیامبر ﷺ و اساتید

و محدثان این شهر بهره

برده است.

به نامی که پدر و مادرم برای من نهاده‌اند، خوانده شوم. (۲)

خاندان سعید، نوعی رابطه و خویشی سببی با بنی‌هاشم داشته‌اند؛ زیرا برادر حزن، هبیره بن ابی‌وهب، شوهر ام‌هانی، خواهر امیرمؤمنان علی علیه السلام بود. فرزندان هبیره، خواهرزادگان علی علیه السلام شیعیان خوبی بودند و از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام به شمار می‌آمدند. مصقله بن هبیره والی منطقه اردشیر خزه در عصر حکومت آن حضرت بود. (۳) همچنین جعدة بن هبیره از سوی علی علیه السلام در خراسان والی بود. (۴) از این رو در خاندان سعید، احتمالاً گرایش صد هاشمی که تمایل غالب قریشیان بود، کمتر بوده است. به استثنای یک مورد که زیربن بکار نقل کرده: حزن، جد سعید در جریان سقیفه، از خالد بن ولید که علیه انصار سخنرانی کرده بود، طرفداری نموده و در تعریف و مدح او شعر سروده بود. (۵)

البته این مسأله، بیشتر جنبه قبیله‌گی و تعصب قومی داشته است؛ زیرا خالد نیز از قبیله بنی مخزوم بوده است. مسیب، پدر سعید تاجر بوده و خرید و فروش روغن می‌کرده است. (۶)

ویژگیها

۱- سید تابعان

تابعان کسانی هستند که محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله را درک نکردند، ولی اصحاب آن حضرت را دیدند؛ لذا تمام کسانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنیا آمدند، از تابعان به شمار می‌آیند. بدین معنی که به تدریج اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند و

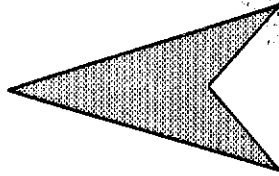
سعید بن مسیب، از شخصیت‌های بزرگ علمی و دینی قرن اول هجری است. او از بزرگان تابعان و نخستین فقیهان مدینه به شمار می‌رود، بلکه فقیه الفقهاء و مؤسس مکتب فقهی مدینه می‌باشد؛ در عالم شیعه نیز از عالمان و محدثان شیعه است؛ از جمله افرادی است که عصر چهار معصوم؛ امام علی، امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیهم السلام را درک کرده است؛ از جمله معدود اصحاب اولیه امام سجاد علیه السلام به شمار می‌رود.

تولد

سعید بن مسیب، در سال ۱۵ یا ۱۷ هجری در عهد خلافت عمر، در شهر مدینه متولد شده (۱) و در همان شهر به تحصیل علم و دانش پرداخته و از محضر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و اساتید و محدثان این شهر بهره برده و همان‌گونه که از شرح احوال او بر می‌آید، غالب عمرش را در مدینه گذرانده و جز برای حج از آن خارج نشده است ولی با توجه به این که او چهل دفعه به حج مشرف شده، می‌توان گفت که از محدثان مکه نیز بهره‌ها برده است.

خاندان

سعید بن مسیب از قبیله بنی مخزوم است و پدر او مسیب و جدش حزن، هردو پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کرده‌اند و از کسانی هستند که در فتح مکه اسلام آوردند و به نقلی مسیب از مهاجران بوده و در غزوه حدیبیه و بیعت رضوان، حضور داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حزن بن ابی‌وهب، جد سعید، پیشنهاد کرد که نامش را به سهل تغییر دهد ولی او نپذیرفت و گفت: می‌خواهم

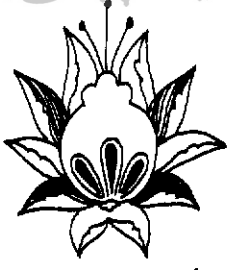


عصر خود و صحابیان پیامبر ﷺ سود برده بود، حتی گاهی خدمت همسران پیامبر ﷺ می‌رسید و از آنان اخذ حدیث می‌کرد. اشخاصی از بزرگان صحابه چون جابر ابن عبدالله انصاری و سلمان فارسی، از اساتید او بسه شمار می‌رفتند. (۱۸) ولی را از محضر امیر مؤمنان علی علیه السلام بیشترین استفاده را کرده بود و به نقل کشی تربیت شده آن حضرت به شمار می‌رفت. (۱۹)

بعد از شهادت علی علیه السلام از محضر فرزندان آن حضرت بهره می‌برد و به نقل کلینی در عصر امامت امام سجاده علیه السلام، از حواریون و شاگردان نزدیک آن امام به شمار می‌رفت. (۲۰) و پیوسته از محضر آن حضرت استفاده می‌کرد و احادیثی از آن جناب نقل کرده است.

شاگردان

سعید بن مسیب استاد و سرپرست مکتب فقهی مدینه بود و غالب علم جوینانی که به مدینه می‌آمدند، پای درس او می‌نشستند و از آراء فقهی و نظرات علمی او بهره می‌بردند و در معضلات و مشکلات فقهی محل رجوع مردم بود. عمر بن عبدالعزیز آنگاه که حاکم مدینه بود، در هیچ امری قضاوت نمی‌کرد، مگر این که درباره آن از سعید بن مسیب



استفتاء می‌کرد. (۲۱)

اشخاصی از اصحاب ائمه علیهم السلام چون ابو حمزه، ابوغالب اسدی، ثمالی و ابان بن تغلب از شاگردان سعید بن مسیب بودند و به واسطه او روایاتی از امام سجاده علیه السلام نقل کرده‌اند. (۲۲)

احادیث

سعید بن مسیب از طریق اکثر صحابه پیامبر ﷺ از جمله علی علیه السلام، عمر، عثمان، زید بن ثابت، عبدالله بن عمر، سعید بن ابی وقاص، ابوموسی اشعری، ابوهریره، جبیر بن مطعم، عبدالله بن زید مازنی، عایشه

بلکه مؤسس مکتب فقهی مدینه به شمار می‌آمد. (۱۰)

۳- اهل ورع و عبادت

سعید بن مسیب از عابدان و زاهدان عصر خود بود؛ ابن خلکان در مورد او می‌گوید: او میان فقه و حدیث و زهد و عبادت و ورع را جمع کرده بود. (۱۱)

سعید پیوسته ملازم مسجدالنبی بود و سی سال نماز جماعت آن جا را ترک نکرده بود. روزی چشمش درد می‌کرد، آب و هوای وادی عقیق را به او توصیه کردند، ولی او از رفتن به آن جا امتناع کرد و گفت: پس چگونه به نماز جماعت صبح و عشاء مسجد النبی برسم؟! (۱۲)

۴- تعبیر کننده رؤیا

سعید بن مسیب علاوه بر آشنایی با فقه که در مفهومی وسیع‌تر از معنای امروزی‌اش به کار می‌رفت، در تعبیر رؤیا نیز مهارت داشت و به گفته ابن سعد، از همه اهل زمانش در تعبیر رؤیا ماهرتر بود. (۱۳)

جایگاه علمی

سعید بن مسیب از دانشمندان بی‌بدیل عصر خویش بود و عالم علی الاطلاق مدینه به شمار می‌رفت و از جمله فقهای هفتگانه اولیه مدینه بود که عبارتند از: عروه بن زبیر، ابوبکر بن عبدالرحمن مخرومی، سلیمان بن یسار، عبدالله بن عتبّه، خارجه بن زید، قاسم بن محمد بن ابی بکر و سعید بن مسیب (۱۴) که دو نفر اخیر را از پیروان اهل بیت علیهم السلام و شاگردان امام سجاده علیه السلام دانسته‌اند. (۱۵)

در مورد مکانت علمی سعید بن مسیب همین بس که امام زین العابدین علیه السلام در باره او فرمود:

«سعید بن مسیب آگاهترین مردم به آثار گذشتگان است و از لحاظ فهم و درک مسائل از همه قوی‌تر می‌باشد». (۱۶)

اساتید

سعید بن مسیب در تحصیل علم و دانش و گردآوری حدیث سعی بلیغ و رنج فراوان برده بود؛ چنان که خود می‌گوید: «شها و روزها را در جستجوی یک حدیث صرف می‌کردم». (۱۷) در این راه از تمام راویان اخبار و محدثان

و ام سلمه احادیث پیامبر ﷺ را نقل کرده است و قاطبه محدثان اهل سنت از طریق او احادیث پیامبر ﷺ را نقل کرده‌اند. چنان که در کتاب الوافی بالوفیات آمده، همه جماعت محدثان از او نقل حدیث کرده‌اند. (۲۳)

در کتابهای شیعه نیز روایات و احادیث سعید به چهارده مورد می‌رسد که بعضی را بدون واسطه از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده و بعضی دیگر را به طریق جابر بن عبدالله، سلمان و علی بن ابی‌رافع نقل کرده است. (۲۴)

از جمله روایات سعید بن مسیب این که او نقل کرده: «سالی همراه امام سجاده علیه السلام برای حج به سوی مکه روانه شدیم. امام در یکی از منازل دو رکعت نماز خواند و سجده کرد و در سجده تمام سنگها و سنگریزه‌های اطرافش، با او تسبیح گفتند، من وحشت کردم. امام سر برداشت و آنگاه فرمود: سعیدا ترسیدی؟ گفتم: آری یابن رسول الله! فرمود: این تسبیح اعظم است». (۲۵)

او پیوسته می‌گفت: «علی بن الحسین علیه السلام نفس زکیه است و من برای او نظیری نمی‌شناسم». (۲۶) و آنگاه که جوان فرشی در مورد امام سجاده علیه السلام از او پرسید، گفت: «او سیدعابدین، علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام است». (۲۷)

تشیع

شیخ طوسی سعید بن مسیب را در زمره اصحاب امام سجاده علیه السلام ذکر کرده است. (۲۸) و مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که سعید بن مسیب، قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد کابلی از افراد مورد وثوق علی بن الحسین علیه السلام بودند. (۲۹)

یکی دیگر از دلایل تشیع سعید بن مسیب، مواضع سیاسی کاملاً ضد اموی اوست. وی



۱- منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۱۴ هـ، ج ۲، ص ۲۰۱.
 ۲- ابن حزم، همان، ص ۱۳۱.
 ۳- زبیر بن بکار: اخبار الموفقیات، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۱۶ هـ، ص ۵۸۱.
 ۴- ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۵ هـ، ص ۳۳۷.
 ۵- ابن خلکان، وفيات الاعیان، دارصادر، بیروت، ج ۲، ص ۳۷۵.
 ۶- جناتی، محمد ابراهیم، ادوار اجتهاد، سازمان انتشارات کیهان، ص ۱۳۸-۱۳۳.
 ۷- الطباقات الکبری، دار بیروت للطباعة و النشر، ج ۵، ص ۱۲۰.
 ۸- جناتی، محمد ابراهیم، همان، ص ۱۶۰.
 ۹- وفيات الاعیان، دارصادر، بیروت، ج ۲، ص ۳۷۵.
 ۱۰- الدكتور وهبة الزحيلي، اعلام المسلمين، سعیدین المسیب، دار القلم، دمشق، ص ۴۶.
 ۱۱- ابن سعد، همان، ص ۱۲۲.
 ۱۲- صلاح الدین خلیل بن ابیک الصغدی، همان.
 ۱۳- مظفر، محمد حسین، تاریخ الشیعه، منشورات مکتبه بصیرتی، ص ۳۸.
 ۱۴- شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، معروف به رجال کشی، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ج ۱، ص ۳۳۵.
 ۱۵- ابن قتیبه، همان، ص ۱۲۰.
 ۱۶- آیت الله خویی، معجم رجال الحديث، چاپ بیروت، ج ۹، ص ۱۲۵.
 ۱۷- شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال معروف به رجال کشی، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ج ۱، ص ۳۳۲.
 ۱۸- الاصول الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۷۲.
 ۱۹- ابن سعد، همان، ص ۱۲۰.
 ۲۰- آية الله خوني، همان، ص ۱۲۵.
 ۲۱- صلاح الدین خلیل بن ابیک الصغدی، همان.
 ۲۲- آية الله خوني، همان، ص ۱۲۵.
 ۲۳- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ج ۲، ص ۱۳۶.
 ۲۴- ابن واضح، اهدم بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، منشورات الشریف الرضی، قم، ج ۲، ص ۲۰۳.
 ۲۵- شیخ مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الارشاد، ترجمه محمد باقر سعادی خراسانی، کتابفروشی اسلامیة، ص ۴۹۸.
 ۲۶- شیخ طوسی: همان.
 ۲۷- کلینی: همان.
 ۲۸- ابن واضح: همان، ص ۲۵۳.
 ۲۹- همان، ص ۲۸۰؛ ابن قتیبه: همان، ص ۳۳۷.
 ۳۰- ذهبی، تذکرة الصفاة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱، ص ۵۶.
 ۳۱- ابن قتیبه، همان.
 ۳۲- محمد بن اسماعیل، منتهی المقال، مؤسسه آل البیت، ج ۳، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.
 ۳۳- ابن خلکان، همان، ج ۲، ص ۳۷۵؛ الدكتور وهبة الزحيلي، همان، ص ۳۲.
 ۳۴- ابن واضح، اهدم بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی،

شدند مانند قیاس، به ضرورت مذهب باطل است؛ و یژه اصحاب امام سجادة علیه السلام که به جهت شدت تقیه، قادر به اظهار اصول و فروع مذهب شیعه نبودند، مگر خیلی مسائل اندک، آن هم برای عدهای قلیل؛ چنان که شیعیانی که امامت امام باقر علیه السلام را نپذیرفتند (مثل زیدیه) در فروع دین از فقههای عامه پیروی کردند. شخصی چون ابن عباس که تشیع او مسلم است، بیشتر آراء و نظریاتش مخالف اصول شیعه است، اما حاضر نشدن سعید بن مسیب در تشیع جنازه امام سجادة علیه السلام به احتمال قوی به خاطر تقیه و دفع تهمت بوده است. (۳۲)

وفات

بالاخره این فقیه بزرگوار و محدث عالی مقام، پس از عمری بندگی و اطاعت و تحصیل و تدریس و نشر فرهنگ محمدی صلی الله علیه و آله در سال ۹۴ هـ، در شهر مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع مدفون شد. این سال را به جهت مرگ عدهای از فقهاء در آن، «سنة الفقهاء» نامیدند. البته در مورد تاریخ مرگ سعید سالهای ۹۲، ۹۳، ۹۵ و ۱۰۵ هجری نیز نقل شده است. (۳۵)

پی نوشت ها:

۱- صلاح الدین خلیل بن ابیک الصغدی: کتاب الوافی بالوفیات، دارصادر، بیروت، ج ۵، ص ۲۶۲.
 ۲- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن ابی الکرم: اسدالغابه فی معرفة الصحابه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ص ۲ و ۳، ج ۳، ص ۳۶۶؛ ابن سعد، محمد: الطباقات الکبری، دار بیروت للطباعة و النشر، ج ۵، ص ۱۱۹.
 ۳- ابن واضح، اهدم بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی،

حکومت اموی را باطل و حاکمان آن را غاصب می دانست و در مورد یزید سخن او مشهور است که سالهای حکومت یزید را سالهای شوم معرفی کرده بود. (۳۰)

سعید به جهت چنین مواضعی پیوسته مورد آزار و اذیت امویان قرار می گرفت. زمانی به خاطر مخالفت با عبدالملک و اباء از به رسمیت شناختن فرزندان او، ولید و سنیمان، به عنوان ولیعهد تازیانه می خورد و به زندان می افتد. (۳۱) زمانی هم تحت نظر قرار می گیرد و از معاشرت با مردم محروم می شود. (۳۲)

سعید بن مسیب علاوه بر مخالفت با بنی امیه، در سایر مواضع سیاسی نیز با ائمه اطهار علیهم السلام همسویی داشت. چنان که در فتنه ابن زبیر، با او بیعت نکرد و مورد آزار و اذیت عمال وی بود. (۳۳)

برخی در مورد تشیع سعید اشکال کرده گفته اند؛ فتاوی او بیشتر با فقه اهل سنت سازگار است تا طریقه اهل بیت علیهم السلام. دومین اشکالی که بر او گرفته اند، عدم حضور او در تشیع جنازه امام سجادة علیه السلام می باشد. صاحب منتهی المقال از این دو اشکال به نحو زیر پاسخ گفته است: «مخالفت طریقه او با طریقه اهل بیت علیهم السلام منافاتی با تشیع او ندارد، چرا که بسیاری از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام و اعظم شیعیان آنها در بیشتر مسائل فقهی و فتاوی شرعی موافق اهل سنت هستند، بلکه بعضی از نظریاتی که بعضی از علمای شیعه مثل ابن جنید قائل